



وزیر خارجه اوکراین:

حمله به کشتی ایرانی غیرعمدی بود

وزیر خارجه اوکراین در تماسی با تهران اعلام کرد که حمله کشورش به یک کشتی ایرانی در دریای خزر غیرعمدی بوده است. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه سه‌شنبه گذشته پاسخگوی تماس تلفنی «آندری سیبیوها»، همسای اوکراینی خود بود. این مقام اوکراینی در این گفت‌وگو تأکید کرد که شناور ایرانی هدف از پیش تعیین‌شده عملیات نبوده و این تصریح کرد که کی یف خواهان تشدید تنش با تهران نیست. عراقچی نیز با استقبال از این موضع تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال گسترش تنش نیست اما در عین حال انتظار دارد مسئولیت این حادثه پذیرفته‌شده و خسارات و زیان‌های وارده‌شده به طور کامل جبران شود. این تماس تلفنی پس از آن صورت گرفت که یک شناور تجاری ایرانی در دریای خزر در بامداد شنبه سوم مرداد هدف حمله نظامی اوکراین قرار گرفت. ساعاتی بعد، «لودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهوری اوکراین مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت؛ حمله‌ای که به شهادت یکی از ملوانان ایرانی و مجروح شدن نفر دیگری انجامید و واکنش فوری تهران را در سطوح دیپلماتیک به دنبال داشت. وزارت امور خارجه کشورمان در اولین واکنش این اقدام را محکوم و کاردار موقت اوکراین در تهران را برای ابلاغ اعتراض رسمی احضار کرد. در این بیانیه اعتراضی حمله به شناور تجاری ایران نقض آشکار حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد اعلام و بر ضرورت پاسخگو بودن عاملان این حادثه و جلوگیری از تکرار چنین اقداماتی تأکید شد.

وزیر امور خارجه کشورمان نیز با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس موضعی صریح در قبال این حادثه اتخاذ کرد. او با اشاره به پذیرش مسئولیت حمله از سوی رئیس‌جمهوری اوکراین، این اقدام را نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد خواند و افزود که این حمله با تحریک رژیم صهیونیستی و با هدف گسترش دامنه جنگ صورت گرفته است. عراقچی همچنین از رایزنی با کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه خبر داد و تأکید کرد که این اقدام نمی‌تواند بدون پاسخ باقی بماند. با این حال، روند تحولات به سرعت از تقابل لفظی به سمت رایزنی‌های دیپلماتیک تغییر جهت داد.

«ایران» روند همزمان تحولات میدانی و دیپلماتیک

در غرب آسیا را بررسی می‌کند

هرمز؛ میدان دیپلماسی ایران

رایزنی‌های فشرده وزیر امور خارجه با همتایان خود در شرق و غرب از تلاش همزمان تهران برای مهار بحران در میدان و مدیریت آن از مسیر دیپلماسی حکایت دارد

گزارش

در حالی که تحرکات دیپلماتیک ایران و کشورهای عربی برای مهار بحرانی که تنگه هرمز را به کانون اصلی تنش در غرب آسیا تبدیل کرده است، با شتاب ادامه دارد، تحولات میدانی نیز بار دیگر شتاب قابل توجهی یافته است.

این دور تازه از درگیری با حمله سه‌شنبه شب مشترک آمریکا و عربستان به نیروهای حشدالشعبی عراق آغاز شد و روز گذشته، ایران شماری از پایگاه‌های نظامی آمریکا در اردن را هدف قرار داد.

در امتداد همین مجموعه تحولات، دونالد ترامپ با ادعای اینکه واشنگتن به این حمله پاسخ خواهد داد از احتمال ورود بحران به مرحله‌ای تازه خبر داد. با این حال، همزمان با تبادل آتش، دیپلماسی نیز در فشرده‌ترین سطح خود جریان دارد؛ از یک سو میانجی‌ها در تلاش برای احیای اجرای یادداشت تفاهم ایران و آمریکا هستند و از سوی دیگر تهران و مسقط مذاکرات خود را برای طراحی سازوکار مشترک مدیریت تردد در تنگه هرمز دنبال می‌کنند.

در کنار این روند، رایزنی‌های مستمر میان دیپلمات‌های ایرانی و کشورهای عربی و همچنین تماس‌های درون منطقه‌ای، از تلاش هماهنگ بازیگران برای جلوگیری از گسترش دامنه بحران حکایت دارد.

گسترش دامنه رایزنی‌های دیپلماتیک

رایزنی‌های فشرده سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه

با همتایان خود در شرق و غرب از تلاش همزمان تهران برای مهار بحران در میدان و مدیریت آن از مسیر دیپلماسی حکایت دارد.

اولین حلقه این رایزنی‌ها در گفت‌وگوی تلفنی وزیر خارجه با «سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه به بررسی آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی اختصاص یافت و سپس در تماس‌های جداگانه با «بدر البوسعدی»، وزیر امور خارجه عمان و «فیصل بن فرحان»، وزیر امور خارجه عربستان سعودی بر ضرورت شکل‌دهی به همکاری‌های منطقه‌ای و تداوم هماهنگی‌های سیاسی برای کاهش تنش و تثبیت امنیت در تنگه هرمز تأکید شد.

دامنه این دیپلماسی اما به محیط پیرامونی محدود نماند و به بازیگران فرامنطقه‌ای نیز گسترش یافت. عراقچی در گفت‌وگوهای تلفنی با «نوشیمیتسو مونگی»، وزیر امور خارجه ژاپن و «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا راه‌های جلوگیری از گسترش بحران و حفظ مسیر گفت‌وگو را بررسی کرد. همزمان با این رایزنی‌ها پایتخت‌های عربی نیز به کانونی برای هماهنگی‌های سیاسی تبدیل شد.

«محمد بن عبدالرحمن آل ثانی»، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر و وزیر امور خارجه عمان در گفت‌وگوی تلفنی تازه‌ترین تحولات منطقه و راه‌های مهار بحران را بررسی کردند. تأکید دوحه بر ضرورت پابندی همه طرف‌ها به مسیر گفت‌وگو و اجرای مفاد

یادداشت تفاهم ایران و آمریکا نشان داد که کشورهای عربی بیش از هر زمان دیگری نگران فروغلتیدن بحران به مرحله‌ای غیرقابل کنترل هستند؛ از همین رو قطر بار دیگر حمایت خود را از تلاش‌های سیاسی برای دستیابی به توافقی پایدار و حفظ ثبات منطقه اعلام کرد.

آتش جنگ شعله‌ور می‌شود

با وجود شتاب گرفتن رایزنی‌های سیاسی، دیپلماسی تاکنون نتوانسته از بازگشت بحران به مدیریت این آبراهه‌بردی نیز وارد مرحله‌ای تازه‌شده و به محور اصلی گفت‌وگوهای تهران با ائتلاف‌های دیپلماتیک، دامنه دیگری‌ها نیز بار دیگر گسترش یافته است.

حمله مشترک آمریکا و عربستان به خاک عراق در بامداد چهارشنبه موحی از اعتراض در میان جریان‌های سیاسی این کشور برانگیخت و تنها ساعاتی بعد، ایران شماری از پایگاه‌های نظامی آمریکا را هدف قرار داد؛ رخدادی که از ورود بحران به مرحله‌ای تازه حکایت دارد. در امتداد همین تحولات، وزارت امور خارجه کشورمان با صدور بیانیه‌ای حملات آمریکا و عربستان به مناطق مختلف عراق از جمله تأسیسات وابسته به نهادهای رسمی و مواکب و ایستگاه‌های زائران اربعین حسینی را بشدت محکوم و تأکید کرد که این حملات نتها نقض آشکار حاکمیت ملی عراق و مغایر با اصول منشور ملل متحد است، بلکه در عمل روند گسترش دامنه درگیری‌ها در غرب آسیا را شتاب می‌بخشد و چشم‌انداز ثبات منطقه را بیش از پیش با مخاطره روبه‌رو می‌کند.



غریب‌آبادی از ارائه طرح

ایران

خبر داد؛

طرحی که بر

اساس آن،

مسیر ورود

کشتی‌ها

به‌طور کامل

تحت مدیریت

ایران قرار

می‌گیرد

و بخشی

از مسیر

خروج نیز

در چارچوب

ترتیبات

پیشنهادی

تهران اداره

خواهد شد

شرط تهران برای بازگشایی هرمز

در میان همه پرونده‌هایی که همزمان روی میز دیپلماسی و میدان قرار گرفته‌اند، تنگه هرمز بیش از هر موضوع دیگری به کانون تفل بحران تبدیل شده است. به همین دلیل، همزمان با تبادل آتش، رقابت بر سر طراحی سازوکار مدیریت این آبراهه‌بردی نیز وارد مرحله‌ای تازه‌شده و به محور اصلی گفت‌وگوهای تهران و مسقط بدل شده است. ایران و عمان هریک با ارائه طرح‌های مستقل می‌کوشند آینده تردد کشتی‌ها را از رویارویی به سمت سازوکاری قابل مدیریت هدایت کنند.

چند روز پیش رسانه‌های غربی از جمله رویترز مدعی شدند که عمان طرحی را به کشورهای غربی و سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) ارائه کرده که بر اساس آن، یک سازوکار مشترک میان ایران و عمان برای مدیریت تنگه هرمز ایجاد شود. این طرح که گفته می‌شود از حمایت برخی کشورهای منطقه نیز برخوردار است، بر الگوی تنگه مالاکا استوار است که در آن کشتی‌ها به جای پرداخت عوارض اجباری به‌صورت داوطلبانه هزینه خدماتی همچون امنیتی تاویری، راهنمایی دریایی، عملیات جست‌وجو و نجات و حفاظت از محیط زیست دریایی را پرداخت می‌کنند. هدف از این پیشنهاد، طرح مدلی منطبق با ملاحظات حقوقی سازمان بین‌المللی دریانوردی و جلب حمایت جامعه بین‌المللی عنوان شده است.

تهران در برابر این پیشنهادها تأکید دارد که هرگونه سازوکار جدید برای مدیریت تردد در تنگه هرمز تنها در صورتی قابلیت اجرا خواهد داشت که بر پایه ملاحظات امنیتی آن طراحی شود. این رویکرد مناسب با وضعیت جنگی میدانی تصمیم‌گیری ایرانی نیز به‌صراحت مطرح شده است. کاظم

بشر



غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه پس از برگزاری چند دور مذاکره با طرف عمانی در تهران اعلام کرد که جمهوری اسلامی نگرانی‌های امنیتی خود را با شفافیت کامل به مسقط منتقل کرده و معتقد است هرگونه تصمیم‌گیری درباره آینده تنگه هرمز باید بازتاب‌دهنده واقعیت‌های جدید امنیتی منطقه و تجربه‌های حاصل از تحولات اخیر باشد.

به گفته او در جریان مذاکرات، پیشنهادهایی برای استفاده موقت از مسیر جنوبی تنگه تا زمان دستیابی به توافق مطرح شد اما ایران این پیشنهاد را نپذیرفت و همچنان بر به رسمیت نشناختن این مسیر تأکید دارد. غریب‌آبادی همچنین از ارائه طرح جایگزین ایران خبر داد؛ طرحی که بر اساس آن، مسیر ورود کشتی‌ها به‌طور کامل تحت مدیریت ایران قرار می‌گیرد و بخشی از مسیر خروج نیز در چارچوب ترتیبات پیشنهادی تهران اداره خواهد شد. معاون حقوقی وزارت امور خارجه این طرح را شرط تهران برای هرگونه تغییر در وضعیت تنگه هرمز دانست و تصریح کرد در صورت نپذیرفتن پیشنهاد ایران، تنگه همچنان بسته خواهد ماند. وی همچنین با اشاره به اهداف اقتصادی این طرح تأکید کرد که اعمال حاکمیت و بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی تنگه هرمز به موازات تأمین امنیت این آبراهه از جمله ملاحظات ایران است. غریب‌آبادی با اشاره به ابعاد حقوقی این موضوع تأکید کرد که از نگاه تهران تنگه هرمز در شرایط جنگ و صلح دارای دو رژیم حقوقی متفاوت است و در شرایط کنونی، ترتیبات امنیتی و حقوقی متناسب با وضعیت جنگی میدانی تصمیم‌گیری درباره این آبراهه راهبردی خواهد بود.



تفکیک میان دیپلماسی و میدان یا جدا دانستن مذاکره از مقاومت یک خطای فاحش تحلیلی

است. این دو در واقع دو روی یک سکه هستند.

در نظام بین‌الملل، هم

به قدرت و

بازاراندگی

تکیه می‌کنند

و هم از

دیپلماسی و

مذاکره برای

مدیریت

تهدیدها،

کاهش

هزینه‌ها و

جلوگیری از

شکل‌گیری

ائتلاف‌های

رقیب بهره

می‌گیرند

کارکردهای متفاوتی داشته باشد؛ از مدیریت و به تعویق انداختن بحران گرفته تا تثبیت دستاوردهای میدانی و جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های بین‌المللی علیه یک کشور. از این رو، باید تحولات را به‌دقت رصد کرد و از ارائه نسخه‌های ثابت و از پیش تعیین‌شده پرهیز کرد؛ چراکه شرایط همواره در حال تغییر است و سیاست‌ها نیز باید متناسب با آن تنظیم شوند.

بر همین اساس، قدرت و مذاکره و مؤلفه مکمل هستند و باید در امتداد یکدیگر مورد توجه قرار گیرند.

در روزهای اخیر، نشانه‌هایی از افزایش تحرکات دیپلماتیک و فعال تر شدن نقش برخی میانجی‌ها مشاهده می‌شود. شاید زمینه برای آغاز دور تازه‌ای از مذاکرات در حال فراهم شدن باشد. از سوی دیگر، رژیم اسرائیل همچنان بر تشدید تنش‌ها و جلوگیری از پیشرفت روند‌های دیپلماتیک اصرار دارد و در همین چارچوب نیز رایزنی‌های خود با ایالات متحده را دنبال می‌کند. یاد نظر گرفتن این مجموعه تحولات، ارزیابی شما از چشم‌انداز دیپلماسی چیست؟ آیا می‌توان به شکل‌گیری دور جدیدی از مذاکرات و دستیابی به نتایجی مؤثر امیدوار بود؟

تردیدى نیست که رژیم اسرائیل مخالف هرگونه پیشرفت در مسیر مذاکرات است و از ناگامی هر توافقی با تفاهمی بیش از دیگر بازیگران استقبال می‌کند. ایران با ایالات متحده و به‌طور کلی با غرب اختلافات بنیادینی دارد که طی سال‌ها انباشته شده، ریشه‌دار و تا حد زیادی مبتنی بر نوعی سوءتفاهم تاریخی است؛ از این رو، طبیعتاً در کوتاه‌مدت قابل حل و فصل نیست. برجام، جنگ ایران و عراق، سرنوشتی هاپیامی مسافربری ایران توسط ناو آمریکایی وینسنس و حملات به تأسیسات نفتی موجب شده هر دو طرف بویژه ایران با بدبینی به روند مذاکرات نگاه کنند. مذاکرات، راهکاری مقطعی برای رسیدن به یک توافق پایدار است اما چنین توافقی به‌طور طبیعی در کوتاه‌مدت حاصل نخواهد شد. ورودی‌های آشوب‌ساز نیز بسیار متعدد هستند؛ چه در سطح داخلی و چه در سطح بازیگران منطقه‌ای که حل و فصل اختلافات ایران و آمریکا می‌تواند بروز و جایگاه ژئوپلیتیکی آنان اثر بگذارد. از همین رو، برخی از این بازیگران با همراهی لازم را با این روند ندارند، یا با تردید به آن می‌نگرند و یا از طریق فشار و لابی تلاش می‌کنند روند مذاکرات را با مانع مواجه کرده یا دست‌کم نتایج آن را ناپایدار جلوه دهند.

با این حال نه ایالات متحده آمریکا و اندکی و توان ورود به یک جنگ فراگیر و طولانی مدت را دارد و نه ایران چنین مسیری را دنبال می‌کند. ایران نیز مادامی که

مورد تعرض قرار نگیرد، به دنبال چنین سناریویی نیست و آنچه مطرح می‌کند، عمدتاً در چارچوب منطق بازاراندگی قابل تحلیل است. بر همین اساس، از نظر من مذاکره یک ضرورت است و راه‌حلی غیر از آن وجود ندارد. با این حال عوامل و متغیرهای آشوب‌ساز همچنان فعال هستند و می‌توانند بر روند و سرنوشت این مذاکرات اثرگذار باشند.

برخی معتقدند واشنگتن وارد چرخه‌ای از «تنش، مذاکره، توقف موقت و سپس بازگشت به تنش» شده است. از نظر شما ایالات متحده از اراده سیاسی لازم برای حل و فصل دیپلماتیک این بحران برخوردار است یا آنکه ترجیح می‌دهد تنش‌ها را در قالب یک روند فرسایشی مدیریت کند؟

در حال حاضر نمی‌توان پاسخ قطعی و مشخصی به این پرسش داد. هم در ایران و هم در غرب با طیفی از دیدگاه‌ها و ادراکات متفاوت مواجه هستیم. همان‌گونه که در ایران گروهی با تأکید بر بی‌اعتمادی بر مقاومت اصرار دارند و حدی روشن‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر بود اما با روی متفاوت خواهد بود. در دوره‌های گذشته، با وجود این اختلاف‌نظرها چارچوب‌های تصمیم‌گیری تا حدی روشن‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر بودند اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ و ویژگی‌های شخصیتی، رفتار غیرقابل پیش‌بینی و رویکرد بی‌ثبات او این معادلات تا حد زیادی دستخوش تغییر شده است. به همین دلیل، درباره سیاست ایالات متحده نیز نمی‌توان با قطعیت سخن گفت. با این حال، تحلیل شخصی من این است که ترامپ تلاش می‌کند از طریق اعمال فشارهای نظامی و استفاده از ابزارهای سخت، بویژه در موضوع هسته‌ای به دستاوردی دست یابد که بتواند آن را به عنوان موفقیتی بزرگ‌تر از اقدامات دولت‌های اوامبا و بایدن، از جمله برجام، معرفی کند. به نظر می‌رسد او به‌کثر از چنین دستاوردی رضایت نخواهد داد.

در مقابل، اینکه ایران با توجه به ملاحظات مربوط به مصلحت و بقای ملی چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد، موضوعی است که بیش از هر چیز به روند تحولات آینده و به مجموعه‌ای از متغیرهای تأثیرگذار وابسته است. از این رو، به نظر من باید با احتیاط درباره آینده سخن گفت و از ارائه پیش‌بینی‌های قطعی پرهیز کرد.



سید جواد صالحی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

در گفت‌وگو با «ایران» بر ضرورت تلفیق قدرت و مذاکره تأکید دارد

میدان، ضامن مذاکره است نه جایگزین آن

گفت و گو

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی - در هر دو سوی منازعه، منطق بازاراندگی نظامی با ضرورت گفت‌وگو در رقابت است و همین تعارض آینده روابط را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. حالا در وضعیت کنونی منازعه ایران و ایالات متحده این مسأله مطرح است که آیا دو طرف خواهند توانست از چرخه فرسایشی بحران و تقابل عبور کنند و وضعیت میدان می‌تواند به پیشبرد دیپلماسی بینجامد یا نه. سید جواد صالحی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «ایران» یاد دوگاه میدان یا دیپلماسی تأکید می‌کند که بازاراندگی و مذاکره در امتداد یکدیگر قرار دارند و تأمین منافع ملی مستلزم بهره‌گیری همزمان از هر دو ابزار، متناسب با شرایط و تحولات است. او با تأکید بر اینکه مذاکرات، تنها مسیر واقع‌بینانه برای مدیریت بحران است، تحقق هرگونه توافق پایدار را مستلزم غلبه بر موانع متعدد داخلی و منطقه‌ای می‌داند و معتقد است مخالفت بازیگرانی مانند رژیم اسرائیل، روند دیپلماسی را با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه کرده است.

با توجه به اینکه یکی از اهداف اعلامی طرف مقابل از آغاز این جنگ، تضعیف توان بازاراندگی ایران بود، اکنون و با گذشت این تحولات، برخی تحلیلگران معتقدند نتیجه به معکوسی حاصل شده و این درگیری، به تقویت و تثبیت مؤلفه‌های بازاراندگی ایران انجامیده است. از سوی دیگر، نقش تنگه هرمز نیز بیش از گذشته در معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه مورد توجه قرار گرفته است. ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟ آیا می‌توان گفت این تحولات، جایگاه تنگه هرمز را به عنوان یکی از اهم‌های راهبردی ایران در معادلات منطقه‌ای برجسته‌تر کرده است؟

با توجه به اینکه یکی از اهداف اعلامی طرف مقابل از آغاز این جنگ، تضعیف توان بازاراندگی ایران بود، اکنون و با گذشت این تحولات، برخی تحلیلگران معتقدند نتیجه به معکوسی حاصل شده و این درگیری، به تقویت و تثبیت مؤلفه‌های بازاراندگی ایران انجامیده است. از سوی دیگر، نقش تنگه هرمز نیز بیش از گذشته در معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه مورد توجه قرار گرفته است. ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟ آیا می‌توان گفت این تحولات، جایگاه تنگه هرمز را به عنوان یکی از اهم‌های راهبردی ایران در معادلات منطقه‌ای برجسته‌تر کرده است؟